خبر

نوزادان خفری در لابه‌لای نرگس‌زارها بزرگ می‌شوند

کشورها به آیین و رسوم و فرهنگی که حکم شناسنامه برایشان دارد، زنده‌اند و ایران سرزمینی است فرهنگی مملو ازآیین و رسوم زیبا و تماشایی که یکی ازآنها آیین گل‌غلتان است؛ آیینی که براساس آن نوزاد را روی پارچه‌ای مملو از گل سرخ و خوشبوی محمدی می‌غلتانند. این آیین زیبا در برخی مناطق کشورمان همچون دامغان و قمصرکاشان که محل رویش گل محمدی است، رایج است. اما آیین گل‌غلتان دیگری هم داریم که باز هم پای یک نوزاد و گل‌های بی‌شمار در میان است، این بار اما پای گل‌های معطر و هوشبر نرگس. این آیین تماشایی، از سنت‌های فراموش‌شده شهرستان خفر در استان فارس بوده که البته سال گذشته احیا و ثبت ملی شده و هم اکنون همزمان با رویش گل نرگس در خفر برگزار می‌شود. به این صورت که نوزادان زیر یک سال را به نرگس‌زارها می‌برند و با ذکر صلوات و خواندن ابیاتی، گل نرگس را برای اجرای مراسم گل‌غلتان نوزاد جمع می‌کنند. بعد از جمع‌آوری گل‌های چیده‌شده، گل‌ها از ساقه جدا و داخل چادر یا پارچه‌ای به رنگ روشن و معمولا سفید، ریخته می‌شود. سپس نوزاد در وسط پارچه گذاشته می‌شود. در نهایت زنان فامیل و به‌ویژه زنان مسن و مادربزرگ‌ها چهار طرف پارچه را گرفته و با صلوات، لالایی و شعرخوانی، نوزاد را در میان نرگس‌ها می‌غلتانند.

گزارش

توسعه گردشگری با ۴ هدف راهبردی

اخیرا از سند ملی صادرات گردشگری رونمایی و این سند وارد فاز اجرایی شده است

فاطمه مرادزاده
گروه ایران

بیایید یک‌بار دیگر به این آمارها با دقت نگاه کنیم: «گردشگری سومین صنعت درآمدزا در دنیاست که ۷ درصد از کل صادرات، ۳۰ درصد صادرات خدمات و ۱۰ درصد تولید ناخالص ملی دنیا را تشکیل می‌دهد. از حیث اشتغال‌زایی هم ورود ۱۰ گردشگر، یک فرصت شغلی در کشور مقصد ایجاد می‌کند.» خب حالا کنار این آمار، فهرست بلند بالا و بی‌انتهای جاذبه‌های گردشگری کشورمان را بنشانید. طبیعی است که انتظار می‌رود با وجود برخورداری از ظرفیت‌های بالا در بخش گردشگری، یکی از پرچمداران این صنعت درآمدزا در جهان باشیم و کرور کرور ارز از این صادرات نامرئی را وارد کشورمان کنیم و بار خودمان را از این حیث ببندیم اما همه می‌دانیم چنین نیست و ما نتوانسته‌ایم از این ظرفیت و صنعت مهم در کشورمان به‌خوبی بهره‌برداری کنیم. از نگاه کارشناسانی که علمی به این ماجرا نگاه می‌کنند، یک جای کار گردشگری ما حسابی می‌لنگد و آن هم درست بخش علمی، فنی و کارشناسانه آن است، به‌عبارتی نبود یک نقشه راه کاملا علمی و مورد تایید مراکز پیشرفته و جهانی گردشگری که جا پای آن بگذاریم و پیش برویم. خوشبختانه این نقشه راه با عنوان سند ملی صادرات گردشگری به گفته مدیرکل دفتر مطالعات، آموزش و برنامه‌ریزی معاونت گردشگری، تدوین و به‌تازگی وارد فاز اجرایی شده و پشت آن هم مرکز تجارت جهانی ایستاده است که دلخوش باشیم اگر از این سند و این فرصت به‌درستی استفاده کنیم، بتوانیم تکانی اساسی به این صنعت پرخاصیت بدهیم و تحولی بنیادین در این حوزه ایجاد کنیم.

به گردشگری، صادرات نامرئی هم می‌گویند چون بدون آن‌که به ظاهر محصولی صادر کنیم، می‌توانیم از قبل آن درآمدزایی و ارزآوری بالایی داشته باشیم. در این صنعت درواقع ما جاذبه‌های سرزمین‌مان را به جامعه جهانی عرضه کرده و ازآنها خواسته‌ایم برای خرید این محصولات (شما بخوانید برای تماشای این جاذبه‌ها) به کشورمان سفر کنند. درواقع در این صنعت محصول جابه‌جا نمی‌شود و این خریداران هستند که با صرف هزینه به سمت محصول می‌آیند. می‌بینید که اینجا هم مثل هر صنعت دیگری کالا و پول جابه‌جا می‌شود اما با ظرافت‌ها و سبک و سیاق خودش و برای همین به‌عنوان یکی از سودآورترین و پاک‌ترین صنایع در سال‌های اخیر جای خود را به صادرات غیرنفتی کشورها باز کرده و آینده روشنی برای آن تصور می‌شود و باز برای همین است که این صنعت در زمره یکی از صنایع مهم و مورد توجه مرکز تجارت جهانی (آی‌تی‌سی) قرار گرفته است.

این مرکز چند سالی است با همکاری مسؤولان گردشگری کشورمان سندی را هم برای توسعه صادرات گردشگری ایران به معنی ورود هرچه بیشتر و باکیفیت‌تر گردشگری خارجی و با هدف افزایش درآمدهای ارزی و اشتغال‌زایی، آماده و تدوین کرده‌اند که به‌تازگی از آن رونمایی شده‌است.

در این سند چهار محور اساسی گردشگری یعنی گردشگری تاریخی ـ فرهنگی، گردشگری جامعه‌محور (براساس ساختارهای بومی و محلی)، گردشگری سلامت و گردشگری اکوتوریسم مورد توجه و بررسی قرار گرفته‌است.

زاهد شفیعی، مدیرکل دفتر مطالعات، آموزش و برنامه‌ریزی معاونت گردشگری در توضیح این سند به ما می‌گوید که مرکز تجارت جهانی (آی‌تی‌سی) که یک سازمان اقتصادی است و نیازهای اقتصادی و صنعتی اعضای خود را برآورده می‌سازد، پس از بررسی وضع اقتصادی موجود ایران و ظرفیت‌ها و نقاط قوت آن، شش صنعت و مزیت در ایران را در زمره صنایع صادراتی و حائز توجه و ارزآوری دانسته که یکی از آن بخش‌ها صنعت گردشگری است. به‌گفته شفیعی بر همین اساس در سال ۹۹ مطالعات گسترده‌ای روی صنعت گردشگری ایران و این‌که تمرکز و توجه روی کدام بخش‌های این صنعت باشد، صورت گرفت که خروجی‌اش تهیه سندی شد که می‌گفت ایران در چهار بخش گردشگری تاریخ ـ فرهنگی، سلامت، اکوتوریسم و جامعه‌محور، مزیت و توانایی رقابت با رقبای بین‌المللی را دارد و باید آنها را قوت بخشید و فعال کرد. این مسؤول می‌گوید که این سند حالا وارد فاز اجرایی شده و این به آن معناست که مرکز تجارت جهانی قرار است در توسعه بخش‌های چهارگانه گردشگری دست ما را بگیرد. البته دستگیری این مرکز بزرگ اقتصادی الزاما به معنای حمایت‌های مالی نیست و بهترین و مهم‌ترین خدماتی که به ما می‌دهد در حوزه آموزش و توانمندسازی و خدمات مشاوره‌ای و استانداردسازی یا حتی تولید محتوا در سطح جهانی است. به‌گفته شفیعی، سند تهیه‌شده یک افق پنج ساله را پیش روی گردشگری ایران گشوده و در این بازه زمانی به کمک مرکز تجارت جهانی قرار است چهار هدف راهبردی ذکر شده را در قالب ۱۱ اقدام عملی و ۳۴ برنامه و فعالیت، توسعه داده و مورد توجه، اصلاح، استانداردسازی و ارتقا قرار دهیم.

حمایت‌های مهم غیرمالی

خدماتی که قرار است مرکز تجارت جهانی به ما ارائه دهد یعنی خدمات آموزشی و مشاوره‌ای تا بتوانیم یک صنعت پویا و علمی گردشگری را در کشورمان فعال کنیم و توسعه دهیم، همان چیزی است که به‌گفته کارشناسان گردشگری به آن احتیاج داریم.

نیما آذری، عضو کمیته فنی آموزشی دفتر مطالعات آموزشی معاونت گردشگری در این باره به ما می‌گوید: بهترین خدماتی که ما از مرکز تجارت جهانی می‌توانیم دریافت کنیم، خدمات محتوایی، فنی، کارشناسی و آموزشی است زیرا گرچه در ایران دوره‌های آموزشی متعددی در بخش گردشگری برگزار می‌شود اما عمده آنها صنفی‌محور و راهی برای اعطای مجوز به اصناف مختلف است، حالا ما به برگزاری دوره‌های آموزشی نیاز داریم. که صرفا درصدد توسعه و ارتقای علمی ـ گردشگری باشند. در همین راستا ما باید یک طرح تحول نظام آموزشی داشته باشیم و همین طرح را با مرکز تجارت جهانی و سازمان جهانی گردشگری پیش ببریم. در این نظام باید حوزه‌های آموزشی‌مان را از حیطه محدود صنفی و سنتی خارج کرده و به حیطه سنتی و جدید مثلا گردشگری خلاق سوق دهیم. همچنین بسته‌های آموزشی ارائه دهیم که هم شامل محتواهای لازم باشند و هم نگاه کسب‌وکاری و صادراتی داشته باشند. این کارشناس گردشگری درباره ضعف‌های موجود در صنعت گردشگری کشورمان هم این‌چنین می‌گوید: ما هم به لحاظ منابع و هم مدرس ضعف‌های جدی در صنعت گردشگری داریم. البته ما استادان و دانش آکادمیک و محلی و بومی خوبی در این زمینه داریم اما به‌دلایلی نتوانسته‌ایم این دانش‌ها را دسته‌بندی و مکتوب کرده و در یک بسته مناسب در اختیار بخش‌های مختلف گردشگری قرار دهیم، به همین دلیل می‌توان گفت در بحث منابع و استادانی که بتوانند این منابع علمی را ارائه دهند، از علم روز دنیا عقب هستیم و مرکز تجارت جهانی در همین نقطه می‌تواند به ما کمک کند.

نگاه

چه اولویت‌هایی را مد نظر داشته باشیم؟

عضو انجمن موسسات آموزشی گردشگری، به واژه‌های آموزش، توانمندسازی و تشریک تجربیات به‌عنوان کلیدواژه‌های مهم آموزش در صنعت گردشگری اشاره کرده و می‌گوید: این واژه‌ها هرکدام تعریف خاص و مهمی دارد که ما درخصوص هریک از آنها خلأهای بسیاری داریم و می‌توانیم به کمک کارشناسان مجرب مرکز تجارت جهانی این خلأهای علمی را برطرف کنیم. به گفته این فعال گردشگری درنهایت این‌که بهتر است یک تیم شامل کارشناسان مرکز تجارت جهانی و کارشناسان ایرانی (بخش خصوصی و دولتی) تشکیل شده و نیازهای آموزشی ما را طبق اولویت‌های چهارگانه مشخص شده سند ملی گردشگری پیگیری کند. در این راستا بهتر این است یک تیم مطالعاتی اول نیازهای آموزشی را احصا کرده و طرح تحول آموزشی نگاشته شود و در وهله بعد چهار زیرمجموعه گردشگری اولویت‌بندی شوند و براساس اولویت مورد توجه و رسیدگی قرار گیرند.

آذری معتقد است بهترین اولویت‌بندی می‌تواند این‌گونه باشد که ابتدا گردشگری جامعه‌محور (محلی و بومی) و بعد گردشگری تاریخی ـ فرهنگی و در مراحل بعد گردشگری اکوتوریسم و سلامت مورد توجه قرار گیرد زیرا ما تاکنون در حوزه بومگردی تقریبا موفق عمل کرده‌ایم زیرا ایران از حیث روستاها و جوامع محلی و عشایر غنی است. در حوزه گردشگری فرهنگی و تاریخی هم به دلیل قدمت و ظرفیت‌های بالای کشورمان در این خصوص حرف‌های زیادی برای گفتن داریم.

گزارش کوتاه

فاضلاب خانگی قاتل اصلی تالاب انزلی

اکنون ۴۷ سال از ثبت تالاب انزلی در کنوانسیون بین‌المللی رامسر می‌گذرد و با همه ارزشمندی تالاب به لحاظ اقتصادی و گردشگری، ورود فاضلاب‌های خانگی بزرگ‌ترین چالش و عامل نابودی تدریجی آن به شمار می‌رود. بسیاری از فعالان محیط زیست معتقدند تالاب انزلی به مرگ خود نزدیک شده و شاید سرانجامی دردناک‌تر از دریاچه ارومیه در انتظارش باشد. با این همه مجید مخدوم، استاد برجسته محیط زیست و علم ارزیابی ایران و عضو شورای عالی حفاظت محیط زیست کشور معتقد است: تالاب انزلی در حال مرگ نیست و احیای آن نیازمند برنامه‌ریزی صحیح است. تالاب انزلی زیست بوم نیست، اکوسیستم است و هر اکوسیستمی دارای نظامی پویا و خود جبران است.

مخدوم می‌گوید: تالاب انزلی، اکوسیستم خود جبران است ولی متاسفانه مساحتش به دلیل بهره‌کشی، بیشتر از ۱۰ هزار هکتار نیست. تالاب انزلی بیش از آن‌که مورد بهره‌وری و بهره‌برداری قرار گیرد، مورد بهره‌کشی قرار گرفته، لذا مساحتش از ۱۹ هزار هکتار رفته رفته کم شده است.

این استاد محیط زیست با بیان این‌که نخست باید با نقشه‌سازی توان تالاب و ظرفیت برد تالاب مشخص شود، می‌افزاید: اگر برنامه احیا داریم، اول باید توان احیا را روی نقشه در بیاوریم که آسان نیست اما شدنی است. راهکارها باید روی نقشه مشخص شود، تالاب انزلی در حال مرگ نیست و در این زمینه باید دوباره تجدید نظر شود. برنامه احیای تالاب انزلی در چهار بخش تعیین راهکار، تعیین سازمان تشکیلاتی، تعیین بودجه در دو بخش سرمایه‌ای و جاری و در آخر زمان‌بندی انجام شدنی است و اگر این کار را کردیم، می‌توانیم امیدوار باشیم که تالاب را احیا می‌کنیم.

جمشید منصوری، اکولوژیست و پرنده‌شناس برجسته کشور نیز با بیان این‌که درگیری‌های بسیاری برای احیای تالاب انزلی داشتیم، می‌گوید: تالاب انزلی یک اکوسیستم پیچیده است و بهره‌وری پایدار یعنی از سود حاصل از داشته‌هایش استفاده کنیم اما متاسفانه خیلی چیزها را در تالاب از دست داده‌ایم. به عنوان مثال، ماهی سفید نه‌تنها از تالاب انزلی بلکه از دریای خزر رخت بربسته است.

این کارشناس و پژوهشگر با بیان این‌که متاسفانه خیلی از تالاب‌های کشور خشک شدند، می‌گوید: برای نجات تالاب انزلی اول باید آن را حفظ کرد درحالی که هنوز نمی‌دانیم محدوده تالاب کجاست، چراکه بسیاری از مساحت تالاب انزلی توسط سودجویان تصاحب شده است. بنابراین برای احیا، اول حفاظت، بعد بررسی و مشخص کردن توان تالاب است، زیرا باید محدوده تالاب مشخص باشد. در وهله بعد هم حفاظت از تالاب را باید برای مردم و مسؤولان اولویت‌دار کنیم و در حفظش باید از خود مردم مدد جست.

وی با بیان این‌که بخش زیادی از سرمایه عظیم تالاب از دست رفته، می‌گوید: تالاب قبل از هرکاری باید حفظ شود، زیرا متخلفان زیادی در اطراف تالاب داریم. از سوی دیگر، طی این سال‌ها بودجه زیادی برای تالاب صرف شده اما احیای تالاب بدون این‌که کاری انجام شود به دکانی برای سودجویی تبدیل شده است.

اجرای برنامه ۷ ساله

رضا زمانی، مدیرکل حفاظت محیط زیست گیلان هم به ورود فاضلاب‌های خانگی به تالاب انزلی اشاره کرده و می‌گوید: زرجوب و گوهررود، دو رودخانه رشت، بار اصلی فاضلاب خانگی را وارد تالاب انزلی می‌کنند.

وی، گونه‌های مهاجم را یکی دیگر از چالش‌ها عنوان کرده و می‌افزاید: متاسفانه ۷۰۰۰ هکتار از استان گیلان درگیر گونه مهاجم سنبل آبی است که ۶۵۰۰ هکتار آن در تالاب انزلی قرار دارد و متاسفانه نفس تالاب را به شماره انداخته است.

مدیرکل حفاظت محیط زیست گیلان درعین حال با اشاره به برنامه هفت‌ساله احیای تالاب انزلی از سال ۹۹ می‌گوید: مدیریت آبخیز، مدیریت رسوب و فاضلاب در این برنامه دیده شده و زیر کمیته‌هایی تشکیل شده و امیدواریم در سال‌های باقیمانده از این برنامه، روندی ایجاد شود که احیای تالاب انزلی سرعت گیرد.

مکث

چرا نفس استان‌های مرزی هر سال می‌گیرد؟

دلیلش هرچه باشد، کانون‌های گردوغبار داخلی یا کانون‌های ریزگردهای خارجی، حالا استان‌های غربی و جنوبی کشورمان، غرق در خاک هستند و نفس کشیدن در آنها سخت و جانکاه شده‌است.

گردوغبار غلیظ از یکی دو روز پیش، روی آسمان استان‌های کرمانشاه، ایلام و خوزستان سایه انداخته و نفس کشیدن و تردد در هوای داغ این استان‌های مرزی را غیرممکن ساخته، آنچنان که ادارات بسیاری از شهرهای این استان‌ها طی روز گذشته تعطیل شدند.

در استان کرمانشاه، هوای شهر قصرشیرین خط شاخص ۵۰۰ را هم رد کرده و در شرایط بحران و خطرناک قرار گرفته‌است. تلخ‌تر آن‌که گفته می‌شود این هوای تیره‌وتار به این زودی خیال گذر از این استان و دیگر استان‌های مرزی را ندارد. خوزستان هم وضع بهتری از کرمانشاه ندارد. غلظت گردوغبار در ۱۳ شهر این استان از جمله اهواز، آبادان، دزفول و اندیمشک بیش از حد مجاز اعلام شده‌است. اداره‌کل هواشناسی خوزستان این گردوغبارها را به عراق منسوب و اعلام کرده که از آن سوی مرزها وارد کشورمان شده‌است.

حکایت ریزگردهایی که بهار و تابستان، آسمان داغ استان‌های مرزی (چه در غرب و چه شرق) را تیره و غبارآلود می‌کنند، حکایت امسال و پارسال نیست، قصه‌ای چندین و چند ساله است که هنوز راه‌حلی برای آن پیدا نشده‌است.

اگرچه بخش بزرگی از این توده گردوخاک به عراق و سوریه مربوط است و دشت‌های برهوت این دو همسایه غربی و بخش اعظمی از خشکی این دو کشور هم به کاهش ورودی آب‌های دجله و فرات، بزرگ‌ترین رودخانه‌های این کشورها مربوط می‌شود که سدسازی‌های بیاپی ترکیه بر سرشاخه‌های آنها، دلیل کاهش حجم آب آنها اعلام شده‌است اما نباید از این نکته مهم غافل شد تالاب‌های بزرگی که تا همین یکی دو دهه پیش در کشور خودمان و در این استان‌ها حیات داشتند و مایه حیات زیستمندان بسیاری بودند، سال به سال کم‌آب‌تر و بی‌جان‌تر شده‌اند و خودشان درحال تبدیل شدن به کانون‌های بزرگ گردوغبار هستند؛ تالاب‌هایی مثل هورالعظیم و شادگان در خوزستان و ارومیه در آذربایجان و هامون در سیستان. نکته تاسف‌برانگیز این‌که انگار عزمی برای جلوگیری از نابودی این تالاب‌ها وجود ندارد. نمونه‌اش تالاب هورالعظیم که صنایع نفتی مستقر در پهنه تالاب و بهره‌کشی از خاک نفت‌خیز منطقه که عامل خشکاندن بخشی از تالاب هستند، از یک سو و پرداخت نکردن حقابه هور از سوی دیگر این تالاب را به قهقرای نابودی کشانده است.

ناگفته نماند طرح‌های زیادی برای احیای تالاب‌های کشور روی کاغذهای برنامه مسؤولان و وزرای وقت مربوط نشسته که در عمل حتی به مرحله اجرا هم نرسیده‌است. تنها طرح کلانی که پیاده شد، طرح احیای دریاچه ارومیه بود که آن هم باوجود صرف هزینه‌های هنگفت، عملا خروجی و نتیجه‌ای نداشت و این تالاب هم در صورت ادامه روند کنونی به کانون ریزگردهای شور در شمال‌غربی کشورمان تبدیل خواهد شد و همان بلایی که تالاب هامون خشکیده در سیستان بر سر مجاورانش درآورد، یعنی نابودی صدها شغل و کوچ صدها هزارنفری مردم، بر سر هموطنان شمال‌غربی خواهد آورد.

نگاه

«نخل ناخدا»ی بندرعباس همچنان بلاتکلیف

بازهم یک طرح نیمه‌تمام دیگر و هزینه‌هایی که هدر رفته و وعده‌هایی که بی‌سرانجام مانده و پروژه‌ای که به ایستگاه پایانی افتتاح و بهره‌وری نرسیده‌است. این بار قرعه نیمه‌تمام‌ها به نام اسکله نخل ناخدای بندرعباس افتاده که به‌عنوان یک طرح ملی و میراثی ساخت آن سال ۹۰ شروع شده و طی سه دولت گذشته به سرانجام نرسیده‌است. حالا اگرچه نمایندگان مردم هرمزگان در مجلس و مسؤولان این استان از شروع مجدد ساخت آن خبر می‌دهند اما همچنان مانند بسیاری از طرح‌های غیرکارشناسی شده کشور، این طرح هم علاوه برکمبود اعتبار، فاقد طرح ارزیابی محیط زیستی است که خود می‌تواند خط بطلان روی اجرای آن بکشد.

بندرگاه نخل ناخدا با هدف کوتاه‌تر کردن مسیر بندرعباس به جزیره هرمز در ساحل شرقی بندرعباس و ایجاد نخستین بندر تفریحی مسافری به طول چهار کیلومتر قرار بود به عنوان یکی از طرح های مهم و منحصر به فرد در کشور به شکل نخل ساخته شود. کاهش ترافیک دریایی، دسترسی آسان به جزیره هرمز، ایمن‌سازی سفرهای دریایی و رونق گردشگری ساحلی و دریایی در منطقه شرق بندرعباس از جمله اهداف ساخت این بندرگاه بوده‌است. گفته می‌شود تکمیل این بندرگاه از خواسته‌های مردم هرمزگان هم بوده؛ زیرا هدف از احداث آن دسترسی آسان به هرمز و توسعه صنعت گردشگری دریایی بوده و با احداث آن، فاصله بندرعباس تا این جزیره به طول ۱۰ کیلومتر کاهش می‌یابد.

معاون مهندسی و عمران وقت اداره‌کل بنادر و دریانوردی استان هرمزگان در اردیبهشت ۹۱ از پایان ساخت بندرچند منظوره نخل ناخدا به عنوان نخستین بندر نخلی شکل کشور در بندرعباس در سال ۹۲ خبر داده و گفته بود: «مدت قرارداد ساخت این بندر ۱۸ ماه و مبلغ آن ۳۰۰ میلیارد ریال است؛ وعده‌ای که البته تاکنون محقق نشده‌است. حالا و پس از یک دهه، رضا مدرس، معاون امور عمرانی استانداری هرمزگان، یکی دیگر از دلایل متوقف شدن این طرح بندری را کمبود منابع اعتباری عنوان کرده و می‌گوید قرار است در سریع ترین زمان ممکن فرآیند تکمیل، مطالعه و اجرای طرح انجام شود، به گونه‌ای که فرآیند آن تا پایان امسال انجام شود و متولی تکمیل و راه‌اندازی آن خود سازمان بنادر باشد.

طرحی که استاندارد نیست

البته به نظر می‌رسد نباید چندان به وعده معاون عمرانی استانداری هرمزگان دلخوش کرد؛ زیرا طبق اعلام اداره‌کل حفاظت محیط زیست هرمزگان، با گذشت یک دهه از ساخت بندر نخل ناخدای بندرعباس، مسؤولان و متولیان ساخت این طرح از سازمان محیط زیست مجوز ساخت و فعالیت دریافت نکرده‌اند و تا زمانی که استانداردهای زیست محیطی را رعایت نکنند، اجازه فعالیت تجاری ندارند.

مدیرکل حفاظت محیط زیست هرمزگان در این باره به ایرنا گفته‌است: «با توجه به این‌که بندرگاه نخل ناخدا به عنوان یک طرح ملی مطرح بوده، اداره‌کل محیط زیست استان در همان زمان از دستگاه‌های متولی از جمله استانداری و بنادر و دریانوردی خواست در ساخت این بندر استانداردهای لازم از جمله ایجاد کانال هدایت آب به شکل موج شکن ایجاد کند که تاکنون برای آن اقدامی صورت نگرفته‌است.»